

## الحمد لله كما هو أهله ولا حول ولا قوة الاّ به والصلوة والسلام على خيار خلقه محمد وآله

### اما بعد

بدانکه از جمله قواعد مربوطه به تجوید الفاظ و حروف قرآن مجید اسقاط همزه وصل است، هرگاه در اثناء کلام واقع شده باشد. و به واسطه غفلت از یک نکته ای این قاعده را در موردیکه کلام مصدر به کلمه مهموزه مقول باشد جاری و ساری دانسته، همزه را اسقاط مینمایند.

و حال آنکه نباید اسقاط نمود. مانند همزه اسجدوا و اهبطوا و ادخلوا، در آیه شریفه و اذقلنا للملائكة اسجدوا و آیه وقلنا اهبطوا واذقلنا ادخلوا.

و آن نکته آنستکه همزه در مورد مذکور اگرچه بنظر سطحی و بدوی در اثنای کلام دیده میشود، لیکن در نظر ثانوی و تحقیقی در صدر کلام میباشد. چه آنکه قول کلام کسی است و مقول کلام کس دیگر. یا در حکم کلام کس دیگر، مانند کلامیکه خود خداوند عالم قبلاً فرموده یا بعداً خواهد فرمود. والحال برای ما نقل میفرماید آن را.

و نظیر این غفلت راجع به سوره مبارکه فاتحه نیز اتفاق افتاده. و به واسطه آن غفلت، بعضی از فقهاء قدس الله اسرارهم، قصد معنی را در آن مثل باقی قرآن مجید جایز دانسته و بعضی غیر جایز و بعضی توقف فرموده اند.

و حال آنکه باید واجب و لازم دانست. بیان این مطلب آن است که یک بحثی هست راجع به قرآن مجید، که آیا به قصد معنی از قرآنیت خارج میشود یا نه. در جائی که ممکن باشد، مثل ربنا آتنا فی الدنیا حسنه یا ربنا لا تزغ قلوبنا که حق خروج آن است لعدم امکان الجمع بین القول و نقل القول یعنی الحکایة و به واسطه غفلت از یک نکته ای، ظهور، بلکه صراحت خود سوره مبارکه را در اینکه عنوان آن، عنوان قول است نه حکایت و نقل قول.

و اخبار زیادی که همین مطلب را کاملاً میفهماند مورد توجه قرار نداده و آن بحث را در آن جاری و ساری میدانند. و حال آنکه نباید جاری و ساری دانست.

و آن نکته آن است که، نحوه سوره مبارکه فاتحه، بر عکس نحوه باقی قرآن است؛ چه آنکه باقی قرآن جملاتی است که خداوند عالم، به عنوان قول یا نقل قول، به آن با بندگان تکلم میفرماید و حرف میزند.

به خلاف سوره مبارکه فاتحه که جملاتی است که حقتعالی آنرا فرو فرستاده تا بندگان به آن با ذات مقدس او مناجات کنند و حرف بزنند. پس فاتحه ای که جزء قرآن است و لاصلوة الآبفاتحة الكتاب درباره آن گفته شده، عبارت خواهد شد از جملاتی که ما باید به عنوان قول بگوئیم، نهایت به تعلیم خداوند عالم، نه به عنوان حکایت و نقل قول. پس حال سوره مبارکه فاتحه که به موجب روایت، اول آن تحمید و اوسط آن اخلاص و آخر آن دعاء است، حال اذکار و ادعیه مأثوره خواهد بود. نهایت در ادعیه و اذکار معلّم حضرت رسول و ائمه علیه و علیهم الصلوة والسلام میباشند و در سوره مبارکه فاتحه خداوند عالم جل و علا.

بنابراین قصد معنی که متوقف است بر فهم و درک آن در سوره فاتحه و بسمله چه در این سوره و چه در اول سوره های دیگر مانند ادعیه و اذکار مأثوره به علاوه آنکه جائز است واجب و لازم خواهد شد. مانند وجوب و لزوم آن در صیغ عقود و ایقاعات. و همان طوریکه نحوه قرآنیت این سوره مبارکه غیر از نحوه قرآنیت باقی قرآن است، نحوه قصد قرآنیت آن هم غیر از نحوه قصد قرآنیت باقی قرآن است.

قصد قرآنیت در این سوره مبارکه به آن است که، این جملات را بگوئیم، به عنوان اینکه کلام خداوند عالم است که به ما یاد داده تا به آن با ذات مقدس او مناجات کنیم و حرف بزنیم.

نظیر قصد ورود به ادعیه و اذکار مأثوره. و قصد قرآنیت به این معنی با قصد معنی منافات ندارد بلکه با عدم قصد آن منافی است. کما اینکه قصد ورود در ادعیه و اذکار با قصد معنی منافی نیست، بلکه با عدم قصد آن منافات دارد. چه آنکه خداوند عالم جل و علا در این سوره مبارکه به ما یاد داده که به جمله الحمد لله رب العالمین و الرحمن الرحیم و مالک يوم الدين ستایش کنیم ذات مقدس او را. و به ایّاک نعبد و ایّاک نستعین اظهار خلوص در مقام عبادت و استعانت. و به اهدنا الصراط المستقیم طلب هدایت به راه راست.

نه گفتن یک الفاظ و حروفی که مباین است با ستایش و اظهار خلوص و طلب هدایت کما اینکه در ادعیه و اذکار نیز موضوع بحث و مذاکره گفتن معنی و مطلب است نه گفتن لفظ و حرف که مباین است با معنی و مطلب.

و این مطلب یعنی اینکه عنوان سوره فاتحه عنوان تعلیم است آن هم تعلیم معنی و مطلب نه تعلیم لفظ و حرف که مباین است با معنی و مطلب. در کتاب شریف الهادی و کشف الحجاب که به طبع رسیده و

کتاب شریف المنیر که انشاء الله به طبع خواهد رسید، اثبات بلکه نشان داده شده، اهل فضل و دانش به آن مراجعه نمایند و ما در این وجیزه تیمناً و تبرکاً چند روایت که صحت و درستی مدعی را کاملاً میفهماند نقل میکنیم. امید آنکه انشاء الله پذیرفته شود.

از عبید بن زراره علیهماالرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند که در دو رکعت آخر نماز ظهر چه بگویم. حضرت میفرماید: تسبیح میکنی و حمد مینمائی خدا را و استغفار میکنی برای گناحت. و اگر خواستی سوره فاتحة الكتاب را بخوان، چه آنکه فاتحة الكتاب نیز تحمید و دعاء است.

این روایت از دو جهت میفهماند که سوره مبارکه فاتحه عنوانش، عنوان قول است، آن هم قول معنی و مطلب؛ یکی آنکه به تحمید و دعاء بودن معرفی شده، جهت دیگر آنکه بدل قرار داده شده از تسبیح و تحمید و استغفار که حقیقت و معنی است و به عنوان قول گفته میشود. اگر عنوان سوره فاتحه، عنوان حکایت و نقل قول باشد بدل از تسبیح و تحمید و استغفار نخواهد بود و در روایت بدل قرار داده شده.

و از حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام و جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب عیون روایت شده که خدای تعالی میفرماید: حمد را

قسمت نموده ام بین خود و بین بنده خود، پس نصف آن برای من است و نصف آن برای بنده من و برای بنده من است آنچه سؤال کند.

و حضرت رسول صلی الله علیه وآله به روایت حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام و جناب صدوق علیه الرحمة میفرماید: چون بنده بگوید اهدنا الصراط المستقیم تا آخر سوره، خدای عزوجل بفرماید این برای بنده من است و برای بنده من است آنچه سؤال کرد و از کتاب جامع الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که سوره فاتحه قسمت شده بین خدا و بنده او و برای بنده او است آنچه سؤال کند و از حضرت عسکری علیه السلام و جناب صدوق علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چون بنده بگوید الحمد لله رب العالمین خدای عزوجل بفرماید حمد کرد مرا بنده من و چون بگوید الرحمن الرحیم خدا بفرماید شهادت داد بنده من به اینکه من رحمن و رحیمم.

و از کتاب فقیه از حضرت رضا علیه و علی آبائه و ابنائهم الصلوة والسلام روایت شده که مالک یوم الدین اقرار است به بعث و حساب و مجازات. و از حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام و جناب صدوق علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چون بنده

بگوید وایاک نستعین خدای عزوجل بفرماید بنده من به من استعانت جست و به من ملتجی و پناهنده شد.

و از جناب شیخ صدوق علیه الرحمة در کتاب عیون از حضرت علی از رسول خدا علیهما و آلهما الصلوة والسلام روایت شده که خداوند عالم میفرماید حمد را قسمت نموده ام بین خود و بین بنده خود، پس نصف آن برای من است و نصف آن برای بنده من و برای بنده من است آنچه سؤال کند هرگاه بنده بگوید بسم الله الرحمن الرحیم خداوند عالم بفرماید ابتداء نمود بنده من به اسم من؛ پس چون بگوید الحمد لله رب العالمین خدای (تعالی) بفرماید حمد نمود مرا بنده من؛ پس چون بگوید الرحمن الرحیم حق تعالی بفرماید گواهی داد بنده من به اینکه من رحمان و رحیمم؛ پس چون بگوید مالک يوم الدين خدای تعالی بفرماید شاهد میگیرم شما را، هم چنانیکه بنده من اعتراف نمود به اینکه من مالک روز جزاء میباشم.

پس چون بگوید ایاک نعبد خدا (تعالی) بفرماید راست گفت بنده من، مرا عبادت میکند. پس چون بگوید و ایاک نستعین خدا (تعالی) بفرماید بنده من به من استعانت جست و به من پناهنده شد. پس چون بگوید اهدنا الصراط المستقیم خدا بفرماید این برای بنده من است و برای بنده من است آنچه سؤال نمود.

مؤلف گوید در نقل این روایت اکتفا شد به ذکر آنچه محل شاهد است و در تفسیر صافی میفرماید: اقول انما انتقل العبد من الغيبة الى الخطاب لانه كان بتمجیده لله سبحانه يتقرب اليه متدرجا الى ان يبلغ في القرب مقاما كان العلم صار عيانا والخبر شهودا والغيبة حضورا و في المطول ما يقرب من ذلك مثال الالتفات من الغيبة الى الخطاب مالک يوم الدين اياک نعبد الى غير ذلك من الاخبار والاقوال. از این اخبار و فرمایشات دو مطلب استفاده میشود و به دست می آید.

یکی آنکه این سوره مبارکه کلام کس دیگر نیست که ما جملات آن را به عنوان حکایت و نقل قول بگوئیم، بلکه کلام خودمان میباشد که میگوئیم نهایت به تعلیم خود خداوند عالم.

مطلب دیگر آنکه باید معانی و مطالب آن را بگوئیم نهایت به همین الفاظ و حروف نه خود این این الفاظ و حروف را که مابین است با معانی و مطالب چه آنکه الحمد لله و الرحمن الرحيم و مالک يوم الدين و اياک نعبد و اياک نستعين و اهدنا الصراط المستقيم من حيث المعنى، تمجید و ستایش و شهادت و اقرار و خطاب و التجاء و دعاء است لا من جهة اللفظ والحرف.

چون مطلبی را که در اول و جیزه راجع به همزه وصل گفتیم صحت و درستی آن را از خود قرآن مجید به سهولت و آسانی نمیتوان فهمید، به



واسطه انس ذهن و عادت به اسقاط همزه در مورد مذکور مانند سایر موارد لهذا بایستی برای به دست آوردن صحت و درستی مدعی به کلام عرب مراجعه نمود چه آنکه اعراب گذاری قرآن مجید از روی تکلمات عرب و قواعد صرف و نحو بوده نه از راه دیگر؛ پس کسی نگوید که عمل قرآن فرد است و بهترین کلام اخبار و احادیث است و ما برای نمونه چند روایت که مشتمل مورد بحث است ذکر مینمائیم.

روایت اول از کلینی علیه الرحمة مسنداً از حضرت صادق علیه السلام در حدیث طولانی روایت شده که خداوند عالم جل و علا چون پیامبر خود را به آسمان بالا برد به او فرمود احمدنی فقال الحمد لله رب العالمین.

روایت دوم از ابن بابویه علیه الرحمة مسنداً از حضرت علی علیه السلام نقل شده که خداوند متعال به پیامبر خود فرمود قل الحمد لله رب العالمین.

روایت سوم از حضرت عسکری علیه السلام و جناب صدوق علیه الرحمة از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده فاذا قال الحمد لله رب العالمین قال الله عزوجل حمدنی عبدی.

روایت چهارم از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده و من قال الحمد لله غرس الله له بها شجرة فی الجنة. روایت پنجم از کتاب جعفریات

مسنداً از حضرت علی علیه السلام روایت شده فصلی یعنی النبى (ص)  
 رکعتین فلما قال سمع الله لمن حمده قال اللهم ربنا لك الحمد الخ.  
 روایت ششم از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسنداً از حضرت  
 باقر علیه السلام روایت شده که ثم اركع و قل اللهم لك ركعت الخ.  
 روایت هفتم از حضرت صادق علیه السلام روایت شده اذا سجدت فكبر  
 و قل اللهم لك سجدت الخ. روایت هشتم از رسول خدا صلی الله علیه  
 وآله روایت شده که به مردی فرمود: قل اللهم صلّ علی محمد وآل محمد  
 آه. روایت نهم از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده من قال  
 اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الخ. روایت دهم از رسول خدا صلی الله  
 علیه وآله روایت شده من قال الله اكبر غرس الله بها له شجرة في الجنة.  
 روایت یازدهم چون رسول خدا صلی الله علیه وآله داخل نماز میشدند  
 قال الله اكبر بسم الله الرحمن الرحيم. روایت دوازدهم از رسول خدا صلی  
 الله علیه وآله روایت شده و اذا قال اهدنا الصراط المستقیم قال الله  
 عزوجل هذا لعبدى. روایت سیزدهم از رسول خدا صلی الله علیه وآله  
 روایت شده فاذا قال الرحمن الرحيم قال الله عزوجل شهدلى بنى الرحمن  
 الرحيم.

روایت چهاردهم از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که قال  
 الطلاق ان تقول لها اعتدى او تقول لها انت طالق.

روایت پانزدهم از کتاب ثواب الاعمال مسنداً از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که قال الصلوة علی النبی وآله امحق للخطایا من الماء للنار.

محل شاهد در این روایات همزه الحمد است در روایات اول و دوم و سوم و چهارم و همزه اللهم در روایت پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و همزه الله در روایت دهم و یازدهم و همزه اهدنا در روایت دوازدهم و همزه الرحمن در روایت سیزدهم و همزه الطلاق در روایت چهاردهم و همزه الصلوة در روایت پانزدهم که حتماً ساقط نمیشود چون مقول قول است با وجود آنکه به نظر سطحی و بدوی در اثنای کلام دیده میشود و چون برخورد کردن به کلماتی که از مصادیق این قاعده است و تشخیص آن از مشابه مثل تشخیص الحق در آیه قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق که همزه آن اسقاط نمیشود از الحق در آیه والله یقول الحق و هو یرد السبیل که همزه آن اسقاط میشود چون خود این کلمه مقول قول نیست بلکه مقول قول مطلب حقی است که خدا میفرماید؛ برای قاریان قرآن مجید دشوار بود لهذا به یاری خداوند عالم جل شأنه به ذکر آن میپردازیم.

امید آنکه مقبول درگاه پروردگار عالمیان جل و علا گردیده و ارباب  
فضل و دانش از آن بهره مند گردند و این حقیر را از دعای خیر فراموش  
نفرمایند.

کلمه	آیه	سوره
------	-----	------

اسجدوا	۳۴	بقره
اهبطوا	۳۶	بقره
اهبطوا	۳۸	بقره
ادخلوا	۵۸	بقره
اضرب	۶۰	بقره
ادع	۶۸	بقره
ادع	۶۹	بقره
ادع	۷۰	بقره
الان	۷۱	بقره
اضربوه	۷۳	بقره
انظرننا	۱۰۴	بقره
اتخذ	۱۱۶	بقره
اتبعوا	۱۷۱	بقره

اتق	۲۰۶	بقره
العفو	۲۱۹	بقره
ابعث	۲۳۶	بقره
اللهم	۳۶	ال عمران
اشهدوا	۶۴	ال عمران
الله	۱۲۷	نساء
ادخلوا	۱۵۴	نساء
الله	۱۷۶	نساء
ادخلوا	۲۳	مائده
اتقوا	۱۱۲	مائده
اللهم	۱۱۴	مائده
اتخذوني	۱۱۶	مائده
الله	۱۹	انعام
الله	۶۴	انعام
الله	۹۱	انعام
النار	۱۲۸	انعام
انتظروا	۱۵۸	انعام
اسجدوا	۱۱	اعراف

اخرج	۱۸	اعراف
اهبطوا	۲۴	اعراف
ادخلوا	۳۸	اعراف
الحمد لله	۴۳	اعراف
استعينوا	۱۲۸	اعراف
اخلفنى	۱۴۲	اعراف
ابن	۱۵۰	اعراف
اسكنوا	۱۶۱	اعراف
ادعوا	۱۹۵	اعراف
الانفال	۱	انفال
اللهم	۳۲	انفال
المسيح	۳۰	توبه
انفروا	۳۸	توبه
اقعدوا	۴۶	توبه
اُذُن	۴۹	توبه
استهزؤا	۶۴	توبه
اعملوا	۱۵۰	توبه
ائت	۱۵	يونس (ع)

الله	۲۱	یونس (ع)
الله	۳۱	یونس (ع)
الله	۳۴	یونس (ع)



الله	۳۵	یونس (ع)
افتراه	۳۸	یونس (ع)
اتخذ	۶۸	یونس (ع)
ائتونی	۷۹	یونس (ع)
انظروا	۱۰۱	یونس (ع)
افتراه	۱۳	هود (ع)
افتراه	۳۵	هود (ع)
احمل	۴۰	هود (ع)
ارکبوا	۴۱	هود (ع)
اعملوا	۱۲۱	هود (ع)
امرات	۳۰	یوسف (ع)
اخرج	۳۱	یوسف (ع)
اذکرنی	۴۲	یوسف (ع)
ائتونی	۵۰	یوسف (ع)
ارجع	۵۱	یوسف (ع)
الان	۵۴	یوسف (ع)
ائتونی	۵۵	یوسف (ع)
اجعلنی	۵۹	یوسف (ع)

ائتونی	۶۲	یوسف (ع)
اجعلوا	۶۶	یوسف (ع)
الله	۹۹	یوسف (ع)
ادخلوا	۱۶	یوسف (ع)
الله - الله	۶	رعد
اذکروا	۵۱	ابراهیم (ع)
اِقرء	۱۴	اسراء
الذی	۵۱	اسراء
ادعوا	۵۶	اسراء
اسجدوا	۶۱	اسراء
اذهب	۶۳	اسراء
الروح	۸۵	اسراء
اسکنوا	۱۰۴	اسراء
ادعوا	۱۱۰	اسراء
الحمد	۱۱۱	اسراء
اتخذ	۵	کهف
ابنوا	۲۱	کهف
الله	۲۶	کهف

الحق	۲۹	كهف
اسجدوا	۵۰	كهف
انفخوا	۹۶	كهف
اتخذ	۸۹	مریم (ع)

امکشوا	۱۰	طه
اسجدوا	۱۱۶	طه
اهبطا	۱۲۳	طه
اتخذ	۲۶	انبياء (ع)
الله	۶۸	حج
الحمد	۲۸	مؤمنون
اخشئوا	۱۰۸	مؤمنون
ارجعوا	۲۸	نور
اذهبا	۳۶	فرقان
اسجدوا	۶۰	فرقان
الحمد	۱۵	نمل
ادخلى	۴۴	نمل
اطيرنا	۴۸	نمل
الحمد	۵۹	نمل
الحمد	۹۳	نمل
امکشوا	۲۹	قصص
ادعوا	۶۴	قصص
اتبعوا	۱۲	عنكبوت

اعبدوا	۱۶	عنكبوت
اقتلوه	۲۴	عنكبوت
ائتنا	۲۹	عنكبوت
الله	۶۱	عنكبوت
الله	۶۳	عنكبوت
الله	۶۳	عنكبوت
اتبعوا	۲۱	لقمان (ع)
الله - الحمد	۲۵	لقمان (ع)
افتراه	۳	سجده
ادعوا	۲۲	سباء
الحق	۲۳	سباء
الله	۲۴	سباء
الحمد	۳۴	فاطر
ادخل	۲۶	یس
اتقوا	۴۵	یس
ابنوا	۹۷	صافات
الله	۱۴	زمر
الله	۳۸	زمر

اللهم	۴۶	زمر
ادخلوا	۷۲	زمر
الحمد	۷۴	زمر
الحمد	۷۵	زمر
اقتلوا	۲۵	مؤمن
ادعوا	۴۹	مؤمن
ادعونی	۶۰	مؤمن
ائتنا	۱۱	فصلت
افترا	۲۴	شوری
الله	۸۷	زخرف
ائتونی	۲۵	جاثیه
الله	۲۶	جاثیه
اليوم	۳۴	جاثیه
افتراه	۸	احقاف
انظرونا	۱۳	حدید
ارجعوا	۱۳	حدید
انشزوا	۱۱	مجادله
اکفروا	۱۶	حشر

ادخلا	۱۰	تحریم
استغفروا	۱۰	نوح (ع)
ارکعوا	۴۸	مرسلات

بدانکه از جمله مصادیق این قاعده کلمه الله است.

در آیه ۸۷ و آیه ۸۹ از سوره مؤمنون قل من ربّ السموات السبع و ربّ العرش العظيم سيقولون لله و قل من بيده ملكوت كل شيء و هو يجير و لا يجار عليه ان كنتم تعلمون سيقولون لله.

و چون در این دو مورد از جهت دیگر نیز غلط ضبط شده، لهذا آن را در ردیف باقی مصادیق ذکر نکردیم.

و آن جهت آن است که عوض الله، لله ضبط شده. و شاید منشاء این اشتباه بودن لله است در آیه، قل لمن الارض و من فيها ان كنتم تعلمون سيقولون لله که قبل از این دو آیه است و درست ضبط شده.

و مؤید اینکه این اشتباه از آن ناشی شده آن است که در چند جای دیگر نظیر این دو مورد هست که درست ضبط شده مانند، قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ فِي سُورَةِ الرَّعْدِ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فِي سُورَةِ عَنكَبُوتٍ. وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْبَأَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فِي سُورَةِ عَنكَبُوتٍ أَيْضًا. وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فِي سُورَةِ زُخْرَفٍ وَ أَمْثَالِهَا.



و غلط در این دو مورد از جهت دوم که عوض الله، لله ضبط شده مغیر  
معنی نیز هست نظیر ان ما نملی لهم خیر لانفسهم در سوره آل عمران آیه  
۱۷۸. و ان ما توعدون لصادق در سوره ذاریات آیه ۵. و ان ما  
توعدون لواقع در سوره مرسلات آیه ۷. و ان ما عندالله هو خیر لکم در  
سوره نحل آیه ۹۵. و لاجرم ان ما تدعوننی الیه در سوره مؤمن آیه  
۴۳.

و ان ما تُمدِّهُم به من مال و بنین در سوره مؤمنون آیه ۵۶. و ان ما  
صنعوا کید ساحر در سوره طه آیه ۶۹. و واعلموا ان ما غنمتم در سوره  
انفال که وصل به هم ضبط شده، به این صورت، انما که غلطی است مغیر  
معنی و در بعضی از آیات دیگر که نظیر این آیات است درست ضبط  
شده مانند ان ما توعدون لات در سوره انعام.

و ان ما تدعون من دونه هو الباطل در سوره حج. و قاعده در فصل و  
وصل ان و ما در کتابت و تلفظ آن است که اگر ما بعد آن جمله ای باشد  
تمام مانند انما ولیکم الله و رسوله و آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد و  
آیه انما یؤخرهم لیوم تشخیص فیہ الابصار و امثال آن باید وصل به هم  
نوشته شود و خوانده شود. و اگر جمله بعد از آن تمام نباشد مانند آیات  
قبل باید از هم جدا نوشته شود. و درموقع خواندن نیز بین ان و ما فاصله  
خیلی مختصر داده شود.

و از جمله جاهائیکه مطابق ضبطی که شده مفهوم درست و صحیحی ندارد آیه ۸۲ از سوره اذا وقعت یعنی و تجعلون رزقکم انکم تکذبون میباشد که مفهوم درست و صحیح آن و تجعلون شکرکم انکم تکذبون میباشد.

و مؤید اینکه مطابق ضبطی که شده مفهوم درستی ندارد آن است که در تفسیر صافی لابد و ناچار شده شکرکم را در تقدیر گرفته به این جور و تجعلون شکر رزقکم انکم تکذبون و مؤید دیگر آنکه در سه روایت شکرکم گفته شده.

عن علی علیه السلام، انه قرء الواقعة فقال تجعلون شکرکم انکم تکذبون الی ان قال علیه السلام انی سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقرئها کک. و در تفسیر صافی نیز میفرماید: و عن الصادق علیه السلام فی قوله و تجعلون رزقکم قال بل و تجعلون شکرکم. و مؤید دیگر فرمایش مجمع البحرین که میفرماید: قیل فی معناه و تجعلون شکر رزقکم التکذیب فهو علی حذف مضاف والمعنی و ضعمت التکذیب موضع الشکر. و از جمله کلماتیکه در آیات متعدده غلط ضبط شده و مغیر معنی نیز میباشد کلمه اذا، است با الف، عوض اذاً با تنوین، چه آنکه اذای با الف به معنای هرگاه میباشد. و با تنوین به معنای در این هنگام. و اذ بدون الف و تنوین به معنای هنگامیکه. و در بعض آیات دیگر درست ضبط

شده یعنی با تنوین. مانند و لئن اتبعت اهوائهم من بعد ما جائك من العلم انک اذا لمن الظالمین در سوره بقره آیه ۱۴۵. و اذا لاتیناهم من لدنا اجرا عظیما در سوره نساء آیه ۶۷. ولانکنتم شهادة الله انا اذا لمن الاثمین در سوره مائده آیه ۱۰۶.

و آیات مورد بحث عبارت است از آیه ۷۷ از سوره نساء فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم یخشون الناس كخشیة الله.

و آیه ۴۴ از سوره انعام اخذناهم بغتته فاذا هم ملبسون.

و آیه ۱۰۷ از سوره اعراف فالقی عصاه فاذا هی شعبان مبین. و آیه ۱۰۸ و نزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین. و آیه ۱۱۷ أن الق عصاک فاذا هی تلفف ما یافکون. و آیه ۱۳۵ فلما کشفنا عنهم الرجز الی اجل هم بالغوه اذا هم ینکتون. و آیه ۲۰۱ تذکروا فاذا هم مبصرون.

و آیه ۱۵۸ از سوره توبه و لم یعطوا منها فاذا هم یسخطون.

و آیه ۲۱ از سوره یونس علیه السلام اذا لهم مکر فی ایاتنا. و آیه ۲۳ اذا هم یریغون.

و آیه ۴ از سوره نحل فاذا هو خصیم مبین. و آیه ۵۴ اذا فریق منکم.

و آیه ۱۲ از سوره انبیاء علیهم الصلوة والسلام اذا هم منها یرکضون. و آیه ۱۸ فاذا هو زاهق.

و آیه ۷۷ از سوره مؤمنون اذا هم فیه ملبسون.

و آیه ۴۸ از سوره نور لیحکم بینهم اذا فریق منهم معرضون.  
و آیه ۳۲ از سوره شعراء فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین. و آیه ۳۳ و  
نزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین. و آیه ۴۵ فالقی موسی(ع) عصاه فاذا  
هی تلقف ما یافکون.

و آیه ۲۶ از سوره نمل فاذا هم فریقان.

و آیه ۶۵ از سوره عنکبوت فلما نجیهم الی البراذهم یشرکون.

و آیه ۲۰ از سوره روم و من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر  
تنتشرون. و آیه ۳۳ اذاقهم منه رحمة اذا فریق منهم بریهم یشرکون. و آیه  
۴۸ من یشاء من عباده اذاهم یشتبشرون.

و آیه ۲۹ از سوره یس فاذا هم خامدون. و آیه ۵۱ فاذا هم من الاجداث  
الی ربهم ینسلون. و آیه ۵۳ فاذا هم جمیع لدینا محضرون. و آیه ۷۷ فاذا  
هو خصیم مبین. و آیه ۸۰ الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم  
منه توقدون.

و آیه ۱۹ از سوره صافات فاذا هم ینظرون. و آیه ۴۵ از سوره زمر ذکر  
الذین من دونه اذاهم یشتبشرون. و آیه ۶۸ فاذا هم قیام ینظرون.

و آیه ۴۷ از سوره زخرف اذاهم منها یضحکون. و آیه ۵۰ فلما کشفنا  
عنهم العذاب اذاهم ینکثون.

و آیه ۱۶ از سوره ملک ان یخسف بکم الارض فاذا هی تمور.

و آیه ۴ از سوره نازعات فاذاهم بالساهرة.

چند جای دیگر نیز علی القاعدة النحویة والصرفیة غلط ضبط شده مانند قول در آیه ۵۱ از سوره نور که لام آن مفتوح ضبط شده و باید با ضمه باشد، چون اسم کان میباشد. و یوم در آیه ۱۱۹ از سوره مائده که با ضمه ضبط شده و باید با تنوین باشد زیرا که هذا مبتدا است.

و یوم خبر و ینفع صفت یوم نه مضاف الیه و علیه در آیه ۱۰ از سوره فتح که با ضمه ضبط شده و باید با کسره باشد. و در آیه ۲۳ از سوره احزاب درست ضبط شده. و عاقبت در آیه ۱۰ سوره روم که مفتوح ضبط شده و باید مضموم باشد چون اسم کان است و آن کذبوا خبر کان و در آیه قبل درست ضبط شده.

### تنبيه

ضمير در جمله وانه تعالى جد ربنا آيه ۳ از سوره جن ضمير شأن است نه ضمير مغايب و كلمه تعالى مربوط بمابعد است نه بما قبل و همچنين هو در قل هو الله احد يعنى همانا و هاء كلمه وحده در جمله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له ضمير نيست بلکه جزء كلمه است به معنای تنها مانند جائتي زيد وحده يعنى آمد مرا زيد تنها.

### تنبيه آخر

پوشیده نماند که ایراد و اعتراض ما در این بحثها بر کسانی است که متصدی اعراب گذاری قرآن مجید شده اند که میگوئیم اشتباه کرده اند نه بر خود قرآن مجید. پس کسی خیال نکند و نگوید که این ایراد و اعتراضها، اعتراض و ایراد بر قرآن مجید است.

هذا اخر ما اردنا ابراهه فى هذه الوجيزه و نرجو من الله تعالى ان يتقبلها بقبول حسن و يجعلها ذخرا ليوم البلاء والمحن والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلامعلى جميع الانبياء والمرسلين و اوصيائهم المرضيين سيما محمد وآله و شيعته اجمعين و قد فرغنا من التأليف والتصنيف فى العشر الثالث من جمادى الاخرى سنة ست و تسعين و ثلثا ثماتا بعد الالف

من الهجرة بالسنة القمرية.